



در نتیجه دنیا به دو گروه تقسیم می‌شود: یکی شرق، که هویت، انسانیت و استقلال خود را درک کرده است و با این آگاهی دست در دست یکدیگر داده‌اند. دیگری غرب که صرفاً با حرص و جاه‌طلبی تلاش می‌کنند به چیزی که می‌خواهند برسند. هدف این گروه انسانیت و خوبی به بشریت نیست، بلکه ظلم و تهدید است، برای همین حق داریم آنان را نفرین کنیم (...).

برای دفاع در مقابل گروهی که از اندیشه‌ای آلوده برآمده و برما تسلط یافته‌اند (...). یک جبهه مشترک وجود دارد که شرق را از غرب جدا کرده و از شمال تا جنوب امتداد دارد. دفاع در این جبهه فقط با مقاومت راسخ و صمیمانه ملت‌هایی که با همدردی گرد هم آمده‌اند ممکن است. (...). البته لازم است دولت‌ها نیز به‌طور جداگانه قدرتمند بوده و به فکر

استقلال باشند. (...). تنها در این صورت است که غرب مجبور می‌شود در مقابل مقاومت تسلیم شود و این رفتار غیرانسانی و ظلم‌و‌ستم را پایان بخشد. زمان زیادی طول نمی‌کشد که این موضوع به نتیجه برسد. هرچه اعتماد، صمیمیت و محبت متقابل بیشتر شود، فاصله کمتر می‌شود.^۴ همان‌طور که مشخص است، این